

شناخته شده است که رسول جعفریان، بر اساس آن، سفرنامه را تصحیح و همراه مقدمه‌ای ۲۸ صفحه‌ای در مجموعه پنجاه سفرنامه حج قاجاری، در نشر علم تهران، چاپ کرده است.^۱ نسخه چاپی با مقدمه مصحح، ۴۱۲ صفحه وزیری دارد.

﴿ منابع ﴾

پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹.

ابراهیم احمدیان



حجه الوداع: تنها حج پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت

حجه الوداع، تنها حج گزاری عمومی مسلمانان به همراه پیامبر خدا ﷺ در سال دهم هجری بود که طی آن، رسول خدا بسیاری از احکام و تعلیمات اسلام، از جمله احکام حج و ولایت امام علی علیه السلام را برای جمع بیشماری که آن حضرت را همراهی می‌کردند، تشریح فرمود. حجه الاسلام، حجه البلاغ، حجه الکمال

رفته و بدین مناسبت گزارشی از این شهر به دست داده است. جده، بندری فعال و مهم بوده و در اسکله بندر کشتی‌ها از کشورهای مختلف، از جمله ایران و هندوستان دیده می‌شده است. (ص ۴۷۳) ازدحام مسافران باعث شده است تا نویسنده به سختی موفق به تهیه بلیت کشتی گردد و در کشتی، با ازدحام جمعیت و نبود جای کافی، مواجه شود. (ص ۴۷۶-۴۷۹) مسافران، پیش از ورود به سوئز، به اجبار به عین موسی، در دو فرسنگی این بندر، منتقل شده و چند روز در قرنطینه به سر برده‌اند و این مدت بر آنان سخت گذشته است. (ص ۴۸۰-۴۸۲) یعقوب میرزا و همراهان، پس از ادای مناسک حج، تصمیم داشته‌اند برای دیدن مصر به این منطقه بروند؛ اما در بندر سوئز با ممانعت مأموران حکومت مواجه می‌شوند. حکومت عثمانی، در آن سال، سفر حجاج را به مصر مننوع، و حکم کرده بوده که آنان را از بندر سوئز یکسر به استانبول منتقل کنند. با این حال، یکی از همراهان یعقوب میرزا، به واسطه کنسولگری ایران در قاهره، اجازه سفر آنان را به قاهره می‌گیرد و امکان سفر آنان به قاهره نیز فراهم می‌شود. (ص ۴۸۵)

از این سفرنامه تاکنون تنها یک نسخه خطی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۱. پنجاه سفرنامه، ج ۲، ص ۱۹۹-۵۶۲.

۲. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۸۹؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۱؛ تاریخ الیقوبی، ج ۲، ص ۱۰۹.

نامگذاری به حجۃ البلاع را تبلیغ احکام دین به صورت قولی و عملی در این حج دانسته‌اند.^۶ این واقعه از اهمیت سیاسی - فرهنگی بسیاری برخوردار است. از آن روی که پیامبر ﷺ در جریان این حج، آداب و احکام حج را در اسلام ابلاغ کرده و در فرصت‌های پیش‌آمده به طرح بسیاری از قوانین مهم اسلام، از جمله ولایت اهل بیتش پرداخت؛ به همین دلیل بود که این حادثه، بازتابی عظیم در لایه‌های سنت نبوی یافت که در دانش‌هایی چون حدیث، سیره، تاریخ و فقه امتداد دارد^۷؛ چنان که سال دهم، در تاریخ اسلام، به نام حجۃ الوداع، خوانده شد^۸ و باب خاصی به همین نام، افزون بر کتب سیره و تاریخ، در کتاب‌های حدیثی اختصاص یافت^۹ و بسیاری از آداب و مناسک حج، با استناد به همین واقعه، در فقه تدوین شد.

بسیاری از وقایع حجۃ الوداع، به نقل

و حجۃ التمام نامهای دیگر آن است.^{۱۰} از آن جهت حجۃ الوداع نامیده شد که در آن، پیامبر ﷺ با یاران و حاضران وداع کرد^{۱۱} و با اشاره، آن را آخرین حج خود خواند.^{۱۲} حجۃ الاسلام از آن روی خوانده شد که تنها حجی است که پیامبر اسلام ﷺ در دوره حاکمیت اسلام، انجام داد^{۱۳} و به عنوان نمونه اعلای این عبادت، در ادبیات دینی، شناخته شد. نام حجۃ البلاع نیز، به تناسب نازل شدن آیه ۶۷ سوره مائدۀ^{۱۴} در این سفر است. در این آیه خداوند متعال فرمان ابلاغ و رساندن پیامی مهم را به پیامبر ﷺ می‌دهد؛ پیامی که نرساندن آن، به معنای نفی فرستادگی و تباہی همه زحمات پیامبر ﷺ در دوره رسالت است: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». تناسب نام اکمال و اتمام نیز می‌تواند آیه سه از سوره مائدۀ باشد که در بازگشت از این سفر نازل شد و کمال دین و تمام نعمت الهی را اعلام کرد.^{۱۵} اهل سنت، دلیل

- السنة والأدب، ج ۱، ص ۳۳؛ سیدنا محمد، ج ۲، ص ۳۲.
خر نک: السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۲، ص ۶۰؛ شرح الزرقانی
علی الموهاب، ج ۴، ص ۱۴۲.
۷. حجۃ الوداع، دانشنامه بزرگ اسلامی؛ حجۃ الوداع کما رواها
أهل البيت، ص ۸.
۸. نک: المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۴.
۹. عيون الاتر، ج ۲، ص ۳۱۸.
۱۰. نک: صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۷۵؛ دلائل النبوه، ج ۵
ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۷۸.

۱. اخیار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ تاریخ الامم و الملوك، ج ۳،
ص ۱۸۳؛ الاکتفاء، ج ۲، ص ۳۰؛ مستعدب الإخبار، الفاسی،
ص ۳۰۹.
۲. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۰؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۰؛
البداية و النهایه، ج ۵، ص ۱۰۹.
۳. الكافی، ج ۷، ص ۳۷۵؛ شرف المصطفی، ج ۳، ص ۱۰۰؛ البداية و
النهایه، ج ۵، ص ۲۱۵.
۴. شرح الزرقانی علی الموهاب، ج ۴، ص ۱۴۲.
۵. شرح الزرقانی علی الموهاب، ج ۴، ص ۱۴۲؛ الغدیر فی الكتاب و

پیامبر اکرم ﷺ و دینش کنچکاو و علاقه مند بودند و اهمیت حج در فرهنگ مردم شبه جزیره، جمعیت بسیاری جمع شدند.^۱ بنا بر برخی روایات، این جمعیت بیش از ۷۰ هزار نفر از اهل مدینه و عرب های بادینشین و اطراف بود^۲ به گونه ای که صدای تبلیه، میان مدینه و مکه، پیوسته شنیده می شد^۳ و هنگام تبلیه پیامبر ﷺ سراسر بیابان تا چشم کار می کرد حج گزار دیده می شد.^۴ در منابع دیگر، تعداد حجاج در این سفر، بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار نفر ذکر شده است^۵ که این تعداد، با توجه به جمعیتی که برای شبه جزیره در آن روزگار تخمین زده می شود^۶ و با توجه به تعداد سی هزار نفر مرد جنگی که علی رغم شرایط دشوار خشکسالی و بیم از رو به رو شدن با امپراتوری روم در غزوه تبوک به سال نهم هجرت شرکت کردند^۷ دور از ذهن^۸

امام باقر علیہ السلام از جابر بن عبد الله انصاری در منابع اولیه شیعه، مانند کافی و تهذیب الاحکام و در منابع مهم اهل سنت، مانند صحیح مسلم، المصنف ابن ابی شیبیه، سنن دارمی، سنن ابوداود، سنن ابن ماجه، سنن بیهقی و مسنده احمد بن حنبل باقی مانده است.^۹

برایه روایتی از امام باقر علیہ السلام، تا سال دهم هجری، تمام احکام و تعلیمات دین، به جز حج و ولایت، نازل شده بود. در این سال پیامبر ﷺ مأموریت یافت تا برای تکمیل تعالیم دین خود و رساندن این دو واجب الهی اعلام کند تا هر کسی که توانایی پیمودن راه دارد، برای فرا گرفتن حج و تعالیم دین، در حج آن سال شرکت کند و جارجیان به تمام اهل مدینه و آبادی های پیرامون آن و قبائل عرب بادینشین اطلاع دادند که رسول خدا قصد حج دارند.^{۱۰}

پیامبر اکرم ﷺ در سال های قبل در مدینه، بدون این که به حج بروند یا حلق و تقصیر کنند، در روز عید قربان، قربانی می کردند.^{۱۱} با توجه به توسعه اسلام در تمام شبه جزیره عربستان، وجود نو مسلمانانی که نسبت به

۴. الكافی، ج ۴، ص ۲۴۵؛ المغازی، ج ۳، ص ۱۰۸.

۵. روضة الاعظین، ج ۱، ص ۱۶۹؛ الإحتجاج، ج ۱، ص ۳۶.

۶. عالارشد، ج ۱، ص ۱۷۱؛ روضة الاعظین، ج ۱، ص ۸۹.

۷. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۲؛ سنن الکبری، بیهقی، ج ۱، ص ۷.

۸. تذكرة الخواص، سبط بن الجوزی، ص ۳۷؛ تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۴۹.

۹. اطلس تاریخی کشورهای جهان، ص ۴۵.

۱۰. المغازی، ج ۳، ص ۹۹۶؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۲۵؛ عيون الاثر، ج ۲، ص ۳۵۶.

۱. حجه الوداع کما رواها اهل البیت، ص ۳۴۵، ۳۶۰.

۲. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۰؛ المغازی، ج ۳، ص ۱۰۸۸.

۳. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۸۸؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۱.

ماه‌های حرام - از جمله ماه‌های حج - با عوض کردن نام ماه حرام با ماه‌های دیگر، در ماه حرام جنگ کرده و در ماه‌هایی که واقعاً ماه حج نبود، حج به جا می‌آوردند، با نامگذاری‌های جدید و مژو روز زمان، ترتیب ماه‌ها به حال طبیعی خود بر می‌گشت و پیامبر ﷺ درنگ کردند تا نامگذاری ماه‌های جاهلیت، مطابق ترتیب واقعی ماه‌ها شود و در سال دهم، در ذی قعده واقعی برای حج خارج شدند و در خطبه عرفه به این مطلب اشاره کردند.^۷ بنا بر روایت صحیح معاویة بن عمار، آن حضرت به هنگام ظهر به منطقه ذوالحیفه، در هشت کیلومتری غرب شهر مدینه^۸، رسید و غسل احرام انجام داد و نماز ظهر را در مسجد شجره خواند.^۹ ایشان به مردم نیز فرمان داد تا ضمن زدودن موهای زائد بدنه، برای احرام غسل کرده و لباس‌های دوخته را از تن به در کنند.^{۱۰}

سپس ایشان به نشاندار کردن شتران قربانی خود که ۶۳ شتر بود، پرداخت. مأمور

۷. اخبار مکه، الازرقی، ج، ۱، ص ۱۸۶؛ بحرالعلوم، ج، ۱، ص ۱۳۲؛
۸. الطبقات الائیره، ص ۱۰۳؛ مدینه شناسی، ج، ۱، ص ۱۷۳.
۹. الطبقات الکبری، ج، ۲، ص ۱۳۱؛ الکافی، ج، ۴، ص ۲۳۲؛ امتعال الاسماع، ج، ۲، ص ۱۰۲.
۱۰. الکافی، ج، ۴، ص ۲۴۹.

جراکه برخلاف شرایط دشوار جنگ، در حجۃ الوداع زنان و کودکان و سالخوردگان و ناتوانان از جهاد نیز می‌توانستند حضور داشته باشند.

شدت اشتیاق مردم به حج به گونه‌ای بود که حتی بیماران نیز دوست داشتند با کاروان پیامبر ﷺ همراه شوند و از آن حضرت چاره می‌خواستند.^۱ همچنین زنان حامله‌ای چون اسماء بنت عمیس، که محمد بن ابوبکر را در ذوالحیفه به دنیا آورد^۲، آن حضرت را همراهی کردند. پیامبر اکرم ﷺ در روز شنبه ۲۵ ذی قعده، که با توجه به محاسبه تقویم حدوذاً اسفند ماه سال دهم شمسی می‌شود، از مدینه به قصد حج خارج شدند.^۴ رسول خدا ﷺ در این سفر همه زنان خود و دخترشان، حضرت فاطمه زهرا عليها السلام^۵ را سوار بر هودج به همراه برد.^۶

باید یادآور شد از آن جا که در جاهلیت، بر اساس سنت نسیء، برای امکان جنگ در

۱. المغازی، ج، ۳، ص ۹۹۳؛ السیرة النبویة، ابن هشام، ج، ۲، ص ۵۱۶.

۲. صحیح مسلم، ج، ۲، ص ۶۶۷؛ مسنند الامام احمد بن حنبل، ج، ۱۰، ص ۲۹۲.

۳. الطبقات الکبری، ج، ۸، ص ۲۲۲؛ الکافی، ج، ۴، ص ۴۴۴؛ البدایة و النهایة، ج، ۷، ص ۳۱۸.

۴. المغازی، ج، ۳، ص ۱۰۹؛ الکافی، ج، ۴، ص ۲۴۵.

۵. دلائل النبوة، ج، ۵، ص ۴۲۵؛ التنبیه والاشراف، ص ۲۴۰.

۶. تاریخ البیرونی، ج، ۲، ص ۱۰۹؛ الطبقات الکبری، ج، ۲، ص ۱۳۱.

مندرس و ارزان شتر، قصد خود را خدا و نه خودنمایی و نه شنیدن دیگران داشت.^۹ به نقل منابع شیعه^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱}، پیغمبر خدا^{۱۲} و همراهان آن حضرت، با صدای بلند، این گونه تلیه می‌گفتند: «لَيَكَ اللَّهُمَّ لِيَكَ لَيَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيَكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ (لَيَكَ)». آنان به فرمان خدا آنقدر این گونه تلیه را تکرار کردند که پیش از رسیدن به منزلگاه روحاء (در ۸۲ کیلومتری مدینه)^{۱۳} صدایشان گرفت.^{۱۴}

پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} در حالی که منتظر دستور خدا بود، با نیت انجام حج تلیه گفت و قربانی به همراه برد و از آن جا که این سفر، آخرین حج رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} بود، خداوند می‌خواست با انجام عمره و حج، هر دو عمل را میان امتش باقی بگذارد.^{۱۵}

آن حضرت در حالی که جز برای نماز و استراحت بین راه توقف نمی‌کرد، فاصله بین مدینه و مکه را از راهی پیمود که با مسیر امروزی و حتی مسیری که در زمان سمهودی

نگهداری از شتران پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} در حجه الوداع، ناجیه بن جنبد خزاعی اسلامی بود^{۱۶} که به کمک چند تن از مردان قبیله‌اش، این وظیفه را انجام می‌داد. او در سفرهای دیگر نیز این مهم را به عهده داشت.^{۱۷}

پیغمبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} در حالی که با دو تکه پارچه صُحَارَى (پنبه یمنی سرخ‌فام) احرام بسته بود^{۱۸}، در بیابان بیداء، حدود دو کیلومتری منطقه شجره، با گفتن جملات تلیه، محرم شد.^{۱۹} در برخی از روایات، شب ماندن ایشان در منطقه ذوالحلیفه آمده است^{۲۰}، اما مورخانی چون واقعی، خبر بیوتته نکردن در ذوالحلیفه را تأیید کرده‌اند.^{۲۱}

ایشان در این حالت سوار بر ناقه قصوای خود بود^{۲۲} و سایه بانی نداشت.^{۲۳} سوار بر جهاز

۱. الطبقات الكبرى، ج. ۴، ص. ۲۳۵؛ ج. ۲، ص. ۱۳۱؛ الكافي، ج. ۴،

ص. ۲۵؛ تهذیب الأحكام، ج. ۵، ص. ۱۲.

۲. المغازى، ج. ۲، ص. ۵۷۲، ۵۷۲؛ المنتظم فى تاريخ الامم و

الملوك، ج. ۲، ص. ۷۷۳؛ البداية والنهاية، ج. ۴، ص. ۲۳۱.

۳. الطبقات الكبرى، ج. ۲، ص. ۱۳۱؛ الكافي، ج. ۴، ص. ۳۳۹.

۴. الكافي، ج. ۴، ص. ۲۴۵؛ المغازى، ج. ۳، ص. ۱۰۹۰؛ الطبقات

الكبرى، ج. ۲، ص. ۱۳۱.

۵. صحيح البخارى، ج. ۲، ص. ۱۵۶؛ السنن الكبرى، البيهقي، ج. ۵،

ص. ۵۰.

۶. المغازى، ج. ۳، ص. ۱۰۹۰.

۷. صحيح مسلم، ج. ۲، ص. ۷۷۴؛ السيرة النبوية، ج. ۱، ص. ۳۹۳.

البداية والنهاية، ج. ۵، ص. ۱۷۷.

۸. الكافي، ج. ۴، ص. ۳۵۰.

۹. حلية الاولى، ج. ۳، ص. ۵۴؛ سنن ابن ماجه، ج. ۲، ص. ۹۶۵.

۱۰. الأصول ستة عشر، ص. ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج. ۲۱، ص. ۴۰۳.

۱۱. صحيح البخارى، ج. ۲، ص. ۱۸۰؛ سنن النسائي، ج. ۵، ص. ۱۵۹.

سنن ترمذى، ج. ۳، ص. ۱۷۸.

۱۲. الروض المغطى، ص. ۲۷۷.

۱۳. الكافي، ج. ۴، ص. ۳۳۶؛ قبس: المصطفى، ج. ۴، ص. ۴۶۴.

۱۴. علل الشرائع، ج. ۲، ص. ۴۱۴.

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} پسر جوانی را که گرفتار حمله‌های صرع گونه و تشنج بود، شفا دادند.^۶
حدیث حج انبیاء در منابع شیعی درباره روحاء آمده است.^۷

۳. مسجد عرُقُ الظُّبْيَة: پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} هنگام گذر از این منزلگاه، فرمودند که هفتاد پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} پیش از ایشان در این مکان نماز گزارند و مواسی کلیم، به همراه هفتاد هزار نفر از بنی اسرائیل، از این مکان گذشت و عیسای مسیح نیز، پیش از قیامت کبری، برای انجام حج یا عمره از آن خواهد گذشت.^۸

۴. مسجد المنصرف (الفزله).

۵. مسجد الرؤیشه: در این منزلگاه زنی به همراه کودکی نزد آن حضرت آمد و درباره حج کودکان سوال کرد و آن حضرت آن را صحیح دانست و مایه ثواب و اجر برای مادرش.^۹

۶. مسجد گردنہ رکوبه.

۷. مسجد الأثایه.

۸. مسجد العرج.

۹. مسجد المُبَحِّس.

۱۰. مسجد لُحْيِ جمل: به روایتی پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم}

(قرن دهم) استفاده می‌شده، متفاوت است. این راه را، راه حج انبیای الهی خوانده‌اند.^۱
روایاتی که از پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} درباره حج پیامبران الهی در این مسیر آمده، می‌تواند دلیل این نامگذاری باشد. مسیر حج پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} بین مدینه و مکه از نزدیکی مسجد غزاله از مسیر حجۃ الوداع جدا می‌شد و از حسین و گردنہ هرشاء و سپس جحفه می‌گذشت، در حالی که مسیر قرن دهم در سمت راست این جاده بود که از رایغ و از خیف و صفراء می‌گذرد و بدون گذر از جحفه، در نزدیکی قدید، به این راه می‌رسد.^۲

بعدها در هر کدام از توقفگاه‌های ایشان مسجدی به نام آن منزل ساختند^۳ و نماز خواندن در این مساجد از آداب حج شد. اسمی این مساجدهایی که در این منزلگاه‌ها ساخته شده، از این قرار است:^۴

۱. مسجد شجره در ذوالحلیفة: پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} در این مسجد نماز ظهر خواند و غسل احرام کرد.

۲. مسجد شرف در روحاء: در این مکان

۱. بهجه النقوس، ج ۱، ص ۳۷۶ تاریخ المدینه، نھروانی، ص ۱۵۲؛

وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۵۹.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۵۹؛ المعالم الاُثیره، ص ۱۷۰.

۳. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۱؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۵۹.

۴. تاریخ مکه، ج ۱، ص ۳۱۱.

۵. سنن بیهقی، ج ۵، ص ۴.

۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۷۴؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۰، ص ۲۹؛ امتناع الاسماع، ج ۵، ص عر.

۷. علل الشرائع، ص ۴۱۸.

۸. حلیۃ الاولیاء، ج ۲، ص ۱۰.

۹. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۶.

به انتظارش صف بسته بودند. آنان با دیدن پیامبر اکرم ﷺ از خستگی و ناتوانی شکایت کردند و ایشان، خمن بیان این که مرکب سواری برای آن‌ها ندارند، توصیه کردند تا برای مقابله با خستگی پیاده‌روی کمربندها را محکم و به روی شکم بینند و تند راه بپیمایند تا کسالت و خستگی از آنان دور شود.^۴ این در مورد پیادگانی بود که نوانایی پیاده‌روی را داشتند. ایشان کسانی را که به سختی زیاد یا با پای بر هنره به حج می‌رفتند، از این کار نهی کرد و فرمود: «خداند از این پیاده‌روی و پابر هنگی بی نیاز است».^۵

پیامبر اکرم ﷺ پس از گذراندن هشت روز در مسیر، در سوم ذی حجه به نزدیکی مکه رسید و پیش از گردنده‌های ورودی مکه توقف کرد و شب را در آنجا گذراند و صبحگاهان، پس از انجام غسل و هنگام بالا آمدن آفتاب در چهارم ذی حجه، از بالای مکه و از گردنده مدنیان، سوار بر ناقه قصباء، وارد مکه شد و به سوی مسجدالحرام پیش رفت تا به باب بنی شیبہ رسید. ایشان با دیدن خانه خدا تکییر گفته و پس از حمد و ستایش الهی و صلوات

در این مکان سرشان را حجامت کردند.^۶

۱۱. مسجد مُدْلِجَةَ تَعْهِنَ.

۱۲. مسجد الرماده.

۱۳. مسجد الأبواء.

۱۴. مسجد گردنه هرشاء / هرشی.

۱۵. مسجد الْجُحْفَةِ.

۱۶. مسجد طرف قَدِيدَ.

۱۷. مسجد حره در نزدیکی گردنه خلیص.

۱۸. مسجد خلیص (چشم‌های پرآب).

۱۹. مسجد بطن مرالظهران.

۲۰. مسجد سَرَفَ.

۲۱. مسجد التَّعْيِمِ.

۲۲. مسجد ذی طُویِ.

۲۳. مسجد الصَّفَراءِ.

۲۴. مسجد ذات آل.

۲۵. مسجد ذفران.

۲۶. مسجد البرود.

۲۷. مسجد مبروک.^۷

پیامبر اکرم ﷺ در گُرایع العَمَمِ، در ۶۴ کیلومتری مکه،^۸ با جمع کسانی برخورده که پیاده به حج آمده بودند و به امید به دست آوردن مرکب سواری یا دعای آن حضرت،

۱. أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۳۷۰؛ المعالم الأنثيرية، ص ۲۳۵.

۲. وفاة الوفاء، ج ۳، ص ۱۸۳-۱۵۹؛ المعالم المطابق، ص ۲۶۲:

المعالم الأنثيرية، ص ۲۶۸؛ بهجة النفوس، ج ۱، ص ۳۱.

۳. المعالم الأنثيرية، ص ۲۳۱.

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۹۵؛ تهذيب الأحكام، ج ۵.

ص ۱۱؛ الإرشاد، ج ۱، ص ۱۷۲.

۵. الامالى، طوسى، ص ۳۵۹؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۱۳.

اصلی اش و (بنا به نقلی به محادث مکان فعلی و) چسییده به خانه خدا بود^۵، رفت و نماز طواف را ادا کرد.^۶ پس از نماز طواف پیامبر اکرم ﷺ نزد چاه زمز آمد و از آب آن نوشید و فرمود: «اگر بر امتن سخت نمی شد، نوشیدن یک یا دو دلو بزرگ از آن را سنت می کردم»^۷ و در دعایی از خداوند به برکت آب زمز علم نافع، روزی وسیع و درمان هر بیماری و درد را طلبید.^۸ آن گاه نزد حجرالاسود آمد و دوباره آن را استلام نمود و استلام حجر را وداع با کعبه دانست.^۹

سپس با اشاره به آیه ۱۵۸ سوره بقره/۲ «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» که از صفا و مروه نام برده، فرمود: «از آن کوه شروع می کنم که خداوند با آن شروع کرد» و به سمت کوه صفا رفت و به اندازه قرائت یک سوره بقره بر صفا دعا کرد.^{۱۰} سپس سواره بر شتر، سعی بین صفا و مروه را انجام

بر حضرت ابراهیم و استلام حجرالاسود، سواره در هفت دور، خانه خدا را طواف کرد و مردم نیز به همراه ایشان طواف نمودند؛ به روایتی، دلیل سواره طواف کردن ایشان، نمایاندن خود به جمعیت بسیار پیرامون ایشان بود که برای تعلیم حج از آن حضرت، به ایشان چشم دوخته بودند.^{۱۱}

دعاهای آن حضرت هنگام گذشتن از رکن یمانی، به یادگار مانده است. ایشان در همان حالت سواره، با چوبیدستی خود استلام حجر می کرد و چوبیدستی را که به حجر خورده بود، می بوسید.^{۱۲}

هر چند در برخی از روایات آمده که ایشان سه دور را به صورت دویین، در حالی که یکی از شانه هایش را از احرام بیرون گذاشته بود، پیمود.^{۱۳} ولی به نظر می رسد که این روایات، مربوط به عمرة القضا^{*} در سال هشتم بود و شواهدی وجود دارد که این احتمال را تقویت می کند.^{۱۴}

ایشان پس از تکمیل طواف به کنار مقام ابراهیم، که در آن زمان طبق روایاتی در مکان

^۵. الكافی، ج، ۴، ص: ۲۲۳؛ فقیه، ج، ۲، ص: ۲۴۳؛ علل الشرائع، ص: ۴۲۳.

^۶. سنن النسائي، ج، ۴، ص: ۴۴۹؛ صحيح مسلم، ج، ۲، ص: ۷۲۵؛ سنن ابی داود، ج، ۲، ص: ۱۲۲.

^۷. الكافی، ج، ۴، ص: ۴۳۰؛ علل الشرائع، ص: ۴۱۲.

^۸. الكافی، ج، ۴، ص: ۲۵۰؛ نک: المستدرک علی الصحيحین، ج، ۱، ص: ۴۶.

^۹. الكافی، ج، ۲، ص: ۲۵۰؛ المصنف، ج، ۴، ص: ۴۱۳.

^{۱۰}. الكافی، ج، ۲، ص: ۲۵۰.

^{۱۱}. اخبار مکه، ج، ۱، ص: ۳۴۶؛ صحيح مسلم، ج، ۴، ص: ۳۹.

^{۱۲}. سنن النسائي، ج، ۲، ص: ۴۰۲؛ فقیه، ج، ۲، ص: ۴۰۲؛ الكافی، ج، ۴، ص: ۴۲۹.

^{۱۳}. الطبقات الكبرى، ج، ۲، ص: ۱۳۱؛ البداية و النهاية، ج، ۵، ص: ۱۵۷.

^{۱۴}. نک: حجۃ الوداع کما رواها اهل البيت، ص: ۱۰۶.

کسی که قربانی دارد، نباید از احرام خارج شود؛ مگر وقتی که قربانی به قربانگاه برسد.^۱ انکار برخی از اصحاب درباره این مسئله به جایی رسید که آن حضرت را خشمگین کرد.^۲

در این فاصله امام علیؑ که در ماه رمضان این سال برای دعوت اهل یمن به اسلام و جمع آوری خراج نجران به آن منطقه رفته بود^۳، پس از نامه پیامبر ﷺ که او را به حج از جانب یمن می خواند^۴، خود را به مکه رساند و از آن جا که به همراه خود قربانی آورده بود (و بنابر روایاتی دیگر چون پیامبر ﷺ ایشان را در قربانی خود شریک کرده بود)^۵ و نیت حج خود را همان حج پیامبر ﷺ قرار داده بود، مانند پیامبر ﷺ در احرام باقی ماند.^۶ پس از رسیدن افراد تحت امر امام علیؑ به مکه، بسیاری از آنان از سختگیری امام درباره استفاده از بیتالمال

داد.^۷ پس از انجام این سعی بود که جبرئیل امین نازل شد و فرمان خروج از احرام را برای همه کسانی که بدون همراه داشتن قربانی برای حج محروم شده بودند، آورد. این دستور موجب شد تا پیامبر ﷺ چون به همراه خود قربانی داشتند، نیت حج قران نمایند و مسلمانانی که قربانی با خود نداشتند، با عمره تمتع داشتن عملی که تا آن موقع انجام داده بودند، به حج تمتع محروم شوند. اما خود ایشان چون قربانی داشتند، از احرام خارج نشدند.^۸ به نظر می‌رسد ایشان طبق تقسیم‌بندی فعلی حج، حج قران انجام دادند؛ هرچند در نوع آن اختلافی وجود دارد.^۹

آن حضرت که با مقاومت و تعجب برخی از صحابه نسبت به این دستور موافق شدند^{۱۰}، فرمودند: «اگر از قبل می‌دانستم چه پیش خواهد آمد، مانند شما عمل می‌کردم (و قربانی نمی‌آوردم) تا مانند شما اکنون از احرام خارج شوم. ولی من قربانی به همراه دارم و

^۵. الكافی، ج ۴، ص ۳۴۶؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۷۲۵.

^۶. صحيح مسلم، ج ۲، ص ۷۱۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۹۳.

^۷. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۳۲؛ الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۰۰.

البداية والنهاية، ج ۷، ص ۲۲۴.

الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۱.

^۹. الكافی، ج ۴، ص ۳۴۸؛ فیقیه، ج ۲، ص ۲۳۷؛ المعجم الكبير، طبرانی، ج ۱۱، ص ۸۳.

^{۱۰}. صحيح مسلم، ج ۴، ص ۳۹؛ دلائل النبوة، ج ۵، ص ۴۰۰.

الكافی، ج ۴، ص ۳۴۶؛ الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۳.

^۱. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۳۱؛ المغازی، ج ۳، ص ۱۰۹۹.

عاصم بن حمید حناظ، ص ۳۲.

^۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۱۴؛ حجۃ الوداع کما روایا اهل البيت،

ص ۶۵.

^۳. صحيح مسلم، نوی، ج ۸، ص ۱۳۵؛ حجۃ الوداع کما روایا اهل

البيت، ص ۶۸.

^۴. الكافی، ج ۴، ص ۳۴۶؛ الارشاد، ج ۱، ص ۲۷۴.

خانه‌های اهل مکه خودداری کرد.^۵ ابظح^{*} ناحیه‌ای در شمال مکه، میان دو کوه حجون و جبل نور و متصل به المعلی است و به آن، خیف بنی کنانه و محصب نیز می‌گویند.^۶ عقیل بن ابی طالب، پسر عمومی ایشان، پیش از فتح مکه خانه آن حضرت و خانه سایر بنی هاشم را که به مدینه هجرت کرده بودند، فروخته بود.^۷ پیغمبر خدا^{علیه السلام} بعد از ظهر چهارشنبه که روز هفتم ذی‌حجه بود، برای مردم خطبه خواند^۸ و مناسک حج را به آنان تعلیم داد.^۹

ایشان در روز هشتم ذی‌حجه (یوم الترویه)، هنگام ظهر، به مردم فرمان داد تا غسل کرده و برای حج لیک گویند و از مکه به سوی منا خارج شده و نمازهای ظهر و عصر آن روز تا نماز صبح روز بعد (عرفه) را در منابه جا آوردن.^{۱۰} پس از بالا آمدن خورشید در روز

^۵. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۱؛ المغاری، ج ۳، ص ۱۱۰؛ امتناع الاسماع، ج ۲، ص ۱۱۰.

ع اخبار مکه، ج ۴، ص ۵۷؛ مراصد الإطلاع، ج ۱، ص ۱۷؛ المعالم الاشیره، ص ۱۶؛ التاریخ الفوییه، ج ۱، ص ۴۸۸؛ حجۃ الوداع، ابن حزم، ج ۱، ص ۳۲۶.

۷. اخبار مکه، ج ۳، ص ۲۵۳؛ اخبار مکه، الازرقی، ج ۲، ص ۱۶۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۷۰.

۸. المغاری، ج ۲، ص ۱۱۰؛ انساب الأشراف، ج ۱، ص ۳۷۰.

۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۶۳؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۵۶۹؛ إتحاف الوری، ج ۱، ص ۵۷۶.

۱۰. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۹؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۳۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷۷.

شکایت و بدگویی کردند. حجم این بدگویی‌ها به حدی رسید که پیامبر^{علیه السلام} فرمان داد تا میان مردم اعلام کنند (یا خود ضمن یک سخنرانی فرمود) که دست از سرزنش علی^{علیه السلام} بردارید که او در اطاعت فرمان خدا سختگیر است و در دینش مسامحه نمی‌کند. آنان نیز با شنیدن نظر پیامبر^{علیه السلام} در مورد رفتار امام^{علیه السلام} از این کار دست کشیدند.^۱

پیامبر اکرم^{علیه السلام} در این سفر، چنان‌که رسم قریش بود، رفاقت و اطعام حاجیان را به عهده گرفت.^۲ همچنین در این سفر، پیامبر اکرم^{علیه السلام} کعبه را با پارچه‌های یمنی پوشاند (الحرات).^۳ رسول خدا^{علیه السلام} فرمان دادند تا به مکیان و مجاوران حرم الهی اعلام شود که از بیستم ذی‌قعده تا روز بازگشت حاجیان در موسم حج، طواف و استلام حجرالاسود و مقام ابراهیم و صف او نماز جماعت را به حاجیان واگذارند.^۴

رسول خدا^{علیه السلام} روزهای یکشنبه تا چهارشنبه را در حالت احرام در مکه در خیمه‌ای گذراند که در ناحیه ابظح زده بودند و از سکونت در

۱. تاریخ الامم و الملوك، ج ۳، ص ۱۴۹؛ الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. إتحاف الوری، ج ۱، ص ۵۷۶.

۳. التنبیه و الاشراف، ص ۳۴۰؛ امتناع الاسماع، ج ۲، ص ۱۱۰.

۴. جامع الاحادیث، ج ۱، ص ۲۲۲؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۵۲؛ حجۃ الوداع کما رواها اهل‌البیت، ص ۱۵۴.

سفرارش به حفظ حقوق زنان و خوشرفتاری با آنان، تأکید بر بطلان ارزش‌های جاهلیت و این که ملاک برتری تقواست، یادآوری مسئله دیه و ارث و حرمت انتساب زاده زنا به زناکار بیان شده است.^۴

بنابراین روایاتی، در عرفات فرمان الهی مبنی بر نزدیک شدن وفات پیامبر ﷺ و دستور معرفی رسمی علی بن ابی طالب رض به عنوان وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر سنت دیگر پیغمبران الهی به آن حضرت رسید. اما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که از واکنش تند و ارتداد و بازگشت به جاهلیت قریشیان، با توجه به کینه‌ای که از امام علی رض داشتند، نگران بود، از خداوند ایمنی از این خطرات را خواست و منتظر تأیید الهی نشست.^۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز ظهر و عصر را با هم به جا آوردند و تاغروب آفتاب و پنهان شدن قرص خورشید، رو به قبله و ایستاده مناجات کردند.^۶ آن حضرت هنگام غروب، میان مردم فرمود: «امروز پروردگار شما بر شما منت گذاشت و افراد نیکوکارستان را آمرزید و شفاعتشان را در حق بدکارانتان پذیرفت. پس به سوی مشعر به راه یقینید و بدانید که خداوند برای گنهکاران رضای

نهم ذی حجه (عرفه)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان از منا به سمت عرفات به راه افتادند و برخلاف سنت جاهلیت، قریش که در مزدلفه توقف می‌کردند، از مزدلفه گذشته و به عرفات رسیدند و کنار مسجد نمره در عرفات، برای آن حضرت خیمه زند.

ایشان پیش از ظهر روز عرفه، وسط وادی عرفات، برای مردم سخنرانی کردند و برای رساندن صدای خود به جمعیت، از ریعه بن امیه کمک گرفتند که سخنان آن حضرت را برای حاضرانی که دورتر بودند، تکرار کند.^۱ در این خطبه که نزد برخی به خطبه حجه الوداع معروف است^۲، موضوعاتی چون خلافت دوازده نفر پیشوای قریش^۳، ضرورت توجه امت به کتاب خدا و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سفارش به تقوا و تلاش برای رضای خدا، اشاره به نزدیکی وفات خود، تأکید بر حرمت مال و جان و ناموس مسلمانان بر یکدیگر، تأکید بر امانت‌داری، یادآوری حرمت ربا و باطل اعلام کردن ریها و خون‌فداها و عناوین عهد جاهلیت، مگر پرده‌داری و آبرسانی به حجاج، سفارش به مساوات و برادری،

۱. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۲۰۶؛ تاریخ الامم والملوک، ج ۳.

۲. ص ۱۵۱؛ الروض الافق، ج ۷، ص ۴۶۲.

۳. احادیث اسماعیل بن جعفر، ج ۱، ص ۴۲۳.

۴. مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۹۳.

۵. تحف القول، ص ۳۰؛ البداية والنهاية، ج ۵، ص ۱۷۱.

۶. روضة الوعظین، ج ۱، ص ۹۰؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۷.

۷. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۹؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۸۶.

خواندند.^۹ ایشان پس از استراحت در مزدلفه، تا هنگام طلوع فجر، مناجات و شفاعت برای گناهکاران را ادامه داد و نماز صبح را به جا آورده^{۱۰} و پیش از روشن شدن هوا، بالای کوه قُرَحْ یا مشعرالحرام رفته و رو به قبله تا طلوع خورشید به دعا و ذکر خدا پرداخت^{۱۱} و با بشارت آمرزش گناهان و استجابت دعای نیکان امت در مشعر، فرمان کوچ به سمت منا را داد.^۹

در وادی محسر، پس از خارج شدن از مشعر که در آغاز مسیر مناست، پیامبر اکرم ﷺ در حالی که پسرعمویش فضل بن عباس را پشت سر خود سوار مرکب کرده بود، با شتاب و دواندن شتر به مقدار صد ذرع (حدود بینجاه متر) گذشت^{۱۲}; چراکه این دره محل فروود عذاب الهی بر لشکر ابره است.^{۱۳}

پیامبر خدا ﷺ پس از ورود به منا تا آخر آن که گردنه جمره و به سمت مکه بود، از بزرگترین راهی که به عرض ۳۸ ذرع (حدوداً ۱۴ متر) در وسط منابود و تاسال نیز

خودش را ضمانت کرده است.^{۱۴} از ایشان موعظ و دعاها^{۱۵} و پاسخ به سوالات حجاج نیز در عرفه یاد شده است.^{۱۶}

بر اساس سنت جاهلیت، حجاج، پیش از غروب از عرفات، به سمت مشعر می‌رفتند. اما پیامبر اکرم ﷺ پس از غروب آفتاب، به سمت مشعرالحرام به راه افتادند. در حالی که با توجه به شلوغی جمعیت بسیار آرام حرکت می‌کرد و مردم را به حرکت آرام و مراقبت از ضعیفان و پیادگان توصیه می‌فرمود.^{۱۷} به روایتی، ایشان آنچنان برای گند کردن حرکت ناقه خود، افسار آن رانگه داشته بود که گردن شتر به رحل و پالانش می‌رسید و اسامه بن زید را نیز پشت سر خود سوار کرده بود.^{۱۸}

آن حضرت به اصحابشان که وقت نماز را بادآوری می‌کردند، محل نماز را پیش رویشان در مزدلفه دانست و وقتی به مزدلفه رسیدند، نماز مغرب و عشا را با هم به جماعت

۱. الكافي، ج ۴، ص ۲۵۷؛ ثواب الاعمال، ص ۷۱؛ كنز العمال، ج ۵، ص ۱۸۸.

۲. الكافي، ج ۴، ص ۴۶۴؛ السنن البیقهی، ج ۷، ص ۲۵۵؛ المصنف، ج ۴، ص ۴۷۳.

۳. حجة الوداع کما رواها اهل البيت، ص ۱۸۳.

۴. صحيح البخاری، ج ۲، ص ۱۷۶؛ سنن النسائي، ج ۵، ص ۲۵۸؛ الكافي، ج ۴، ص ۴۶۷.

۵. صحيح مسلم، ج ۴، ص ۷۳؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۲۱.

۶. ع سنن النسائي، ج ۵، ص ۳۶؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۲۱.

۷. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۲۲.

۸. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۶؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۲۷.

۹. الكافي، ج ۴، ص ۲۵۷.

۱۰. صحيح مسلم، ج ۴، ص ۴۲؛ مسنـد الإمام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۱.

۱۱. الكافي، ج ۴، ص ۴۶۰؛ الفقيـه، ج ۲، ص ۴۶۸.

بود، رفت و با همکاری و همیاری امام علی^ع[ؑ] شتر را از جانب خود و با دست مبارک خویش[ؑ] قربانی فرمود. در مجموع، قربانی پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} و علی^ع[ؑ] صد شتر شد.^۷ رسول خدا برای هر کدام از همسرانشان یک گاو و برای همه، یک شتر قربانی کرد^۸ (بنا بر برخی روایات برای همه همسران یک گاو قربانی کرد).^۹ دلیل این تعداد قربانی به صراحت بیان نشده، اما ممکن است موارد زیر از جمله دلایل آن باشد: تقریب به درگاه خدا و تلاش برای سیر کردن و اطعام تعداد بیشتری از حاجاج که بسیاری نیز قربانی همراه نداشتند و تشویق به قربانی کردن در راه خدا و اشاره به این مطلب که ساده‌زیستی پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} در زندگی شخصی‌اش تنها از سر نداری و فقر بوده است.^{۱۰}

۵. السیرة النبویه، تیمیی، ج، ۱، ص: ۳۹۷؛ دلائل النبوه، بیهقی، ج، ۵، ص: ۴۳۸؛ البداية و النهایه، ج، ۵، ص: ۱۸۹.

۶. سنن ابی داود، ج، ۱، ص: ۴۲۷؛ سنن بیهقی، ج، ۵، ص: ۳۶؛ السیرة النبویه، ج، ۴، ص: ۳۸۱.

۷. صحیح مسلم، ج، ۴، ص: ۳۹؛ دلائل النبوه، ج، ۵، ص: ۴۰۰؛ الکافی، ج، ۴، ص: ۴۴۶؛ الارشاد، ج، ۱، ص: ۱۷۳.

۸. الکافی، ج، ۴، ص: ۴۹۱؛ مسند الامام احمد بن حنبل، ج، ۶، ص: ۳۹؛ صحیح مسلم، ج، ۴، ص: ۳۰.

۹. سنن ابی ماجه، ج، ۳، ص: ۴۸۴؛ سنن ابی داود، ج، ۱، ص: ۳۹۳؛ دعائی الإسلام، ج، ۱، ص: ۲۲۴؛ البداية و النهایه، ج، ۵، ص: ۱۴۷.

۱۰. شرح الشفاعة، ج، ۱، ص: ۲۹۷؛ متنهی السوویل، ج، ۲، ص: ۵۹۰.

استفاده می‌شد و از کنار کوه ضَبَ در نزدیکی مسجد خیف می‌گذشت، طول منا را طی کرد^۱ در حالی که وسط دره بودند، پشت به مکه، جمره کبری را، کنار این گردن، سوار بر ناقه، هنگام بالا آمدن خورشید (چاشتگاه)، رمی کرد. پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} با هر کدام از هفت سنگی که به جمره زد، تکییر گفت و مردم را به مراقبت و آسیب نرساندن به یکدیگر فرمان داد و توصیه کرد تا سنگ‌های کوچکی را برای رمی جمع کنند.^۲ پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} در منا مسلمانان را به فraigیری احکام و مناسک از خود فرا می‌خواند و به این نکته اشاره می‌فرمود که شاید این سفر حج، آخرین سفر حج ایشان باشد.^۳ با این دعوت، گویا مردم بیش از پیش گردد آن حضرت را فرا گرفته و درباره عملشان از پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} سوال می‌کرند و آن حضرت، ضمن پاسخ به سوال آنان، اعمال منا را به مردم تعلیم فرمود.^۴

پس از رمی جمره عقبه، پیامبر خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} سمت قربانگاه منا که نزدیک جمره وسطی

۱. اخبار مکه، الازرقی، ج، ۲، ص: ۱۸۶؛ اخبار مکه، الفاکهی، ج، ۴.

۲. الکافی، ج، ۴، ص: ۲۴۸.

۳. اخبار مکه، الازرقی، ج، ۲، ص: ۱۷۳؛ مسند الامام احمد بن حنبل،

ج، ۱، ص: ۲۱۰ و ج، ۵، ص: ۲۷۰.

۴. الطبقات الکبری، ج، ۲، ص: ۱۳۸؛ السنن البیهقی، ج، ۵، ص: ۱۲۵؛

مسند الامام احمد بن حنبل، ج، ۳، ص: ۳۲۲.

۵. اخبار مکه، الفاکهی، ج، ۴، ص: ۲۶۴.

که از آغاز سفر برای جلوگیری از آلودگی،
موهای بلند خود را با صمغ و... آغشته کرده
بود^۱، تراشید. عمر بن عبدالله بن حارثه عدوی
افخخار تراشیدن سر آن حضرت را یافت.^۲
مسلمانان برای تبرک گرفتن از موهای آن
حضرت پیرامون ایشان جمع شده بودند.
ابو طلحه انصاری و خالد بن ولید از جمله
کسانی بودند که از موی آن حضرت برای
تبرک گرفتند. سپس ایشان فرمان داد تا
موهای تراشیده را میان مسلمانان مشتاق تقسیم
کنند و این گونه مقداری از موهای سر آن
حضرت، نزد همسرانش به یادگار ماند. ایشان
همچنین موهای صورت و ناخن‌های خود را
نیز اندکی کوتاه کرده و فرمود تا دفن شود.^۳
با توجه به ازدحام جمعیت و نیاز غذایی به
گوشت قربانی، فرمان داد تا سه روز کسی
نمی‌تواند به دلیل ذخیره کردن گوشت‌های
قربانی‌اش، کسانی را که به گوشت نیاز دارند،
از گوشت قربانی محروم کند.^۴

ایشان با توجه به ازدحام جمعیت، با
قربانگاه خواندن تمام نقاط سرزمین منا از
مردم خواستند که هر کسی در خیمه‌گاه
خودش قربانی کند و برای این کار، به
قربانگاه اصلی منا نیاید.^۵ گویا با توجه به
دستور قرآن که به خوردن و صدقه دادن
گوشت قربانی فرمان داده، پیامبر اکرم ﷺ از
همه قربانی‌ها یاشان، تکه‌ای گوشت را در
ظرفی قرار داد و دستور داد آن را برای
استفاده خود آبگوشت کنند^۶ و پس از پختن،
از این گوشت تناول کردن و از آبش
نوشیدند و به امام علیؑ فرمان داد مابقی
گوشت قربانی‌ها و هرچه از قربانی‌ها باقی
می‌ماند، حتی دهن و افسار و پالان و چیزهایی
که به آن‌ها آویخته بود را در راه خدا به
نیازمندان بدهد^۷ و مزد کار قصابان را،
برخلاف معمول، از محل دیگری غیر از
گوشت‌های قربانی، تأمین کند.^۸
پس از فراغت یافتن از قربانی، آن حضرت

۱. المغازی، ج، ۳، ص ۱۱۰؛ صحیح البخاری، ج، ۲، ص ۱۵۱.

۲. صحیح مسلم، ج، ۴، ص ۵۰.

۳. الكافی، ج، ۴، ص ۴۵۰؛ تهذیب الاحکام، ج، ۵، ص ۴۵۸، منتهی السؤول، ج، ۱، ص ۳۴۲.

۴. المغازی، ج، ۳، ص ۱۱۰؛ نک: الكافی، ج، ۴، ص ۵۰۲؛ البداية و النهاية، ج، ۵، ص ۱۸۹.

۵. صحیح البخاری، ج، ۶، ص ۲۰۶؛ سنن ابی داود، ج، ۱، ص ۶۴۲.

۶. الكافی، ج، ۴، ص ۵۰۱.

۷. السیرة النبویة، ابن هشام، ج، ۲، ص ۲۰۶؛ المغازی، ج، ۳،

ص ۱۰۸؛ تهذیب الاحکام، ج، ۵، ص ۳۷۴.

۸. صحیح مسلم، ج، ۴، ص ۴۳؛ الطبقات الکبری، ج، ۲، ص ۱۳۵؛ الكافی، ج، ۴، ص ۲۴۸.

۹. الكافی، ج، ۴، ص ۵۰۱؛ تهذیب الاحکام، ج، ۵، ص ۴۵۷؛ عيون الانو، ج، ۲، ص ۳۴۷.

۱۰. المناقب، ج، ۲، ص ۱۳۰؛ البداية و النهاية، ج، ۵، ص ۱۸۸؛ سیل الهدی و الرشاد، ج، ۵، ص ۳۷۶.

از تقدیم قربانی ناتوان بودند و می‌خواستند به جای قربانی روزه بگیرند.

پیامبر اکرم ﷺ خیمه زدن و اتراق حجاج را مدیریت کرد و برای هر گروهی مکانی اختصاص داد. محل خیمه‌های پیامبر ﷺ و بنی‌هاشم، مکان سنتی این قبله از قدیم در منا بود که طبق روایاتی، کنار جمره دوم قرار داشت.^۵ متزلگاه همسران آن حضرت، نزدیک مسجد خیف (که بعداً دارالاماره منا نام گرفت) قرار داشت.^۶ انصار را پشت خانه‌های همسران پیامبر ﷺ (که شعب الانصار نامیده شد) در سمت چپ قبله و دارالاماره، و مهاجرین را در شکاف دره‌ای جا داد که سمت راست قبله بود و بعدها شعب المهاجرین نام گرفت.^۷

پیامبر اکرم ﷺ سوار بر ناقه قصبای خود، در روز عید، خطبه‌ای که از لحاظ محتوا بسیار شبیه به خطبه روز عرفه است، بیان کردند. گفته شده این خطبه در مسجد خیف در منا بیان شده است.^۸ افزون بر مطالی که ضمن

به نظر می‌رسد اکثر حاجیانی که در منا حاضر بودند، نتوانستند قربانی چندانی داشته باشند؛ چراکه قربانی فقط بر کسانی که از راه دور به حج می‌آمدند و توانایی مالی داشتند، واجب بود و عده‌ای اندک از آنان قربانی را با خود آورده بودند (چنان که در زمان تبدیل حج همراهان، بدون قربانی پیامبر ﷺ به عمره تمتع بیان شد و در روایت عایشه به آن اشاره شده)^۹ و با آن ازدحام بسیاره جمعیت در حج آن سال، طبیعی بود که قربانی به اندازه همه متقاضیان خرید آن، در مکه و منا باشد.^{۱۰} با توجه به فرمان قرآن که برای کسانی که به قربانی دست نیافته بودند، وظیفه روزه گرفتن را مقرر کرده بود^{۱۱} بسیاری از حجاج در ایام تشریق (دهم تا سیزدهم ذی الحجه) در منا قصد روزه گرفتن داشتند. ولی پیامبر ﷺ دستور داد تا چند نفر از یارانشان، در مکان‌های مختلف منا، اعلام کنند که این روزها وقت خوردن و آشامیدن و یاد خداست نه روزه‌داری^{۱۲} و این خود تأیید کننده تعداد زیاد کسانی است که

۱. السیرة النبوية، ابن هشام، ج ۲، ص ۱۶۰؛ تاریخ الامم والملوک،

ج ۳، ص ۱۴۸؛ الروض الأنف، ج ۷، ص ۴۵۸.

۲. حجه الوداع کما رواها اهل البيت، ص ۲۴۶.

۳. بقره: ۹۶.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۳۲؛ تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۲۳۰؛

الفقيه، ج ۲، ص ۵۰۸.

۵. الكافي، ج ۴، ص ۲۰۹.

۶. اخبار مکه، الازرقی، ج ۲، ص ۱۸۱.

۷. اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۲۶۴؛ سنن

الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۳۸؛ البداية والنهاية، ج ۵، ص ۱۸۸.

۸. صحيح البخاري، ج ۱، ص ۳۴؛ صحيح مسلم، ج ۵، ص ۱۰۸؛

الكافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

آن حضرت روز عید را روز شَح (قربانی در راه خدا که اگر با نیت صادقانه انجام شود اولین قطه خونش، کفاره تمام گناهان گذشته حاجی است) و عَج (دعا و زاری به درگاه خداوند) نامید و بشارت داد که هیچ کس از این مکان خارج نمی شود، مگر این که مورد رحمت الهی قرار گیرد مگر کسی که مبتلا به گناهان بزرگ است و تکرار آنها را در نیت دارد.^۵ بنابر روایتی، فرمان ابلاغ رسمی جانشینی علی بن ابی طالب رض در مسجد خیف نیز دوباره به پیامبر اعظم ﷺ گوشزد شد، اما ایشان با توجه به ملاحظات سابق، متظر تأیید الهی ماند.^۶

آن حضرت، همان روز عید و پیش از ظهر، برای اتمام اعمال حج به مکه رفت و نماز ظهر را در مسجد الحرام خواند.^۷ بنابر برخی گزارش‌ها صبح و قبل از وقت نماز و بنابر برخی دیگر، شب همراه زنانش، به مکه رفت^۸ و از آب زمزم نوشید.^۹ پیغمبر ﷺ برخلاف سال فتح مکه، در حجۃ الوداع وارد

گزارش خطبه عرفه بیان شد، ایشان ضمن اقرار گرفتن از مردم و تکیه بر باورستی آنان، درباره حرمت مال و جان و ناموس مردم در ماه‌های حرام و در حرم امن الهی و در روز عید قربان، این حرمت را ابدی و تا روز قیامت اعلام کرد.^۱ هشدار نسبت به ارتداد و کفر دوباره مسلمانان و در گیری‌ها و اختلافات داخلی آنان با یکدیگر، تأکید بر بندگی خداوند و نمازهای پنج گانه و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و پرداخت زکات و اطاعت از ولی امر و امامان پس از پیامبر ﷺ، از دیگر فرازهای این سخنرانی بود. ایشان ضمن بیان این که چه بسا شنوندگانی که پس از این، سخنان آن حضرت را شنوند و بهتر از حاضران بتوانند آن را درک کنند، برای کسانی که سخنان ایشان را به غاییان برسانند، دعا کرد.^۲ به نقلی ایشان در حال تلاش برای رساندن صدای خود به دیگران، بر پالان شترش ایستاده بود.^۳

۱. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۳۶؛ الطبقات الکبیری، ج ۲، ص ۱۴۱؛

البداية و النهاية، ج ۵، ص ۱۹۵.

۲. مسنـد الـامـامـ اـحمدـ بنـ حـنـبلـ، ج ۵، ص ۵۱؛ المعجمـ الـكـبـيرـ، ج ۲، ص ۱۹۷.

۳. صحـحـ البـخـارـيـ، ج ۴، ص ۲۳۶؛ صحـحـ مـسـلـمـ، ج ۵، ص ۱۰۸؛ سنـ اـبـنـ مـاجـهـ، ج ۲، ص ۱۰۱۵.

۴. مسنـد الـامـامـ اـحمدـ بنـ حـنـبلـ، ج ۵، ص ۲۵۱؛ المعجمـ الـكـبـيرـ، ج ۲، ص ۱۹۷.

۵. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۴؛ نوادر راوندی، ص ۱۹۸.

۶. روضة الوعظين، ج ۱، ص ۹۰؛ الاشتجاج، ج ۱، ص ۵۷.

۷. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۳؛ سنن ابین ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۷؛ سن ابی داود، ج ۱، ص ۴۲۸.

۸. الطبقات الکبیری، ج ۲، ص ۱۳۹؛ السنن البیهقی، ج ۵، ص ۱۴۴.

۹. الطبقات الکبیری، ج ۲، ص ۱۴۰؛ دلائل النبوه، ج ۵، ص ۴۳۸.

عایشه به دلیل عذر شرعی عادت ماهیانه نتوانسته بود، پیش از حج، عمره به جا آورد و حجش را به صورت افراد تمام کرد؛ به همین دلیل از آن حضرت خواست تا اجازه عمره مفرده به او بدهد تا او هم مانند دیگر همسران پیامبر ﷺ که در این سفر با انجام حج تمتع، یک حج و یک عمره انجام دادند، افزون بر حجش، عمره‌ای نیز انجام داده باشد؛ پیغمبر اکرم ﷺ نیز با تقاضای او موافقت فرمود و او را به همراه برادرش، عبدالرحمن بن ابوبکر، برای انجام عمره مفرده به تعیین فرستاد. پس از بازگشت عایشه، پس از این که نماز ظهر و عصر را در مکه خواند، در عصر همان روز^۵، از مسیر ذی طوی، به سمت مدینه حرکت کرد.^۶ به گزارشی دیگر، آن حضرت روز چهاردهم^۷ و به گزارشی، پس از سه روز اقامت در مکه به سوی مدینه حرکت کرد و در پاسخ به کسی که درباره توقف در مکه (در این ایام) سئوال کرده بود، مکه را در این ایام غیر مناسب برای ماندن و درنگ کردن دانست.^۸

عیادت از سعد ابن ابی وقارص که در مکه

کعبه مشرفه نشد و داخل آن نماز نگارد.^۹ بنابرخی گزارش‌ها آن حضرت پس از اتمام مناسک خود، در حالی که حلقه‌های در کعبه را گرفته بود، مردم را به سوی خود فراخواند. پس از جمع شدن مردم، خطبه‌ای مفصل درباره نشانه‌های قیامت و هشدار از راه یافتن تباہی‌ها و انحراف در دین و امت اسلامی ایجاد کرد^{۱۰} و پس از انجام زیارت خانه خدا و طواف وداع، به منا بازگشت. آن حضرت در منا، نمازهای یومیه را به صورت قصر (وظیفه مسافر) به جا آورد^{۱۱} و هر روز از خیمه‌گاه خود، پیاده، برای رمی جمره‌های سه گانه، می‌رفت و پیاده باز می‌گشت.^{۱۲}

ایشان پس از اتمام مناسک حج و اعمال منا، در روز سیزدهم ذی‌حجه، پس از رمی جمرات، هنگام چاشت، به سوی مکه حرکت کرد، بدون این که دوباره به مسجدالحرام وارد شده و طواف کند و فقط برای ساعتی، به جهت عمره جناب عایشه، در ابطح توقف کرد.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۷۶؛ اخبار

مکه، الازرق، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ جامع الاخبار، ص ۱۴۰؛ الدر المتنور،

ج ۶، ص ۵۳.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۱۸؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۰.

۴. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۸۱؛ الکافی، ج ۴، ص ۴۸۶؛

الاستبصار، ج ۲، ص ۲۹۸.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۷۵.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۸.

۷. السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۶۱؛ صحيح ابن خزیم، ج ۴، ص ۳۲۱.

۸. صحيح ابن حبان، ج ۹، ص ۲۲۶.

۹. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۴.

می شد^۳، پیامبر ﷺ توقف کرد و فرمان داد تا با صدای (الصلة جامعه) همه جمعیت را به سوی او فراخواند. سپس زیر درختانی که در آنجا بود، نماز ظهر را خواند و در خطبه‌ای، از تزدیک شدن وفات خود و به توجه امت به دو یادگار ایشان، یعنی کتاب خدا و عترشان سخن گفت و در حالی که دست علی بن ابی طالب ﷺ را گرفته بود، خطاب به جمعیت فرمود: «ای مردم! آیا من نسبت به مؤمنان صاحب اختیار و سرپرستان نیستم؟» همه پاسخ دادند: «بله ای رسول خدا». آن‌گاه دست علی ﷺ را گرفت و فرمود: «من کنت مولاًه فهذا علی مولاًه اللهم وال من والا و عاد من عاده و انصر من نصره و اخذل من خذله^۴؟ «هر که را من مولای اویم این علی مولاًی است. خدایا با دوست او دوست و با دشمنش، دشمن باش». جانب عمر بن خطاب، بعد این ماجرا، امیر مؤمنان را خطاب قرار داد و گفت: «ای پسر ابوطالب، گوارایت باشد که مولا و سرپرست هر مرد و زن مؤمن شدی».^۵

^۳. وفای الوفاء، ج. ۳، ص ۱۷۱؛ الروض المغفار فی خبر الأقطار، ص ۱۵۶.

^۴. سنن ابن ماجه، ج. ۱، ص ۴۵؛ سنن ترمذی، ج. ۵، ص ۳۹۷؛ فضائل الصحابة، نسائی، ص ۴؛ الآثار الباقية عن القرون الخالية، ص ۴۲۹.

^۵. مسنـد الـاـمامـ اـحمدـ بـنـ حـنـبلـ، جـ. ۱ـ، صـ ۱۱۸ـ، جـ. ۴ـ، صـ ۳۳۱ـ، ۱۱۹ـ؛ مـسـنـدـ اـبـنـ حـمـانـ، جـ. ۱ـ، صـ ۱۰۹ـ، ۱۱۰ـ؛ مـسـنـدـ اـبـنـ مـاجـهـ، جـ. ۷ـ، صـ ۴۹۵ـ؛ مـسـنـ النـسـائـیـ، جـ. ۵ـ، صـ ۴۵ـ.

به بیماری شدیدی دچار شده بود، احتمالاً در همین ایام رخ داد. ایشان ضمـنـ دـلـدارـیـ به سعد، به پرسش او در مورد وصیت کردن پاسخ داد و نساختی او را از قلبش دانست و ضـمـنـ دـعـاـ برـایـ سـلامـتـیـ اـشـ، دـسـتـورـالـعـلـمـیـ برـایـ درـمـانـ وـیـ بهـ حـارـثـ بنـ کـلـدـ طـبـیـبـ دـادـ تـاـ سـعـدـ رـاـ باـ خـرـمـایـ عـجـوـهـ مدـینـهـ درـمـانـ کـنـدـ. آنـ حـضـرـتـ مرـدـیـ رـاـ مـأـمـوـرـ کـرـدـ تـاـ اـگـرـ سـعـدـ اـزـ دـنـیـاـ رـفـتـ، اوـ رـاـ دـرـ مـکـهـ دـفـنـ کـنـدـ [وـ بـهـ مدـینـهـ بـیـاوـرـدـ].^۱

پس از گذشت سه روز از آغاز سفر بازگشت، در حالی که هنوز حاجاج از کاروان پیامبر اکرم ﷺ برای رفتن به شهرها و مکان‌های خود، چنان متفرق نشده بودند، که آیه ۶۷ سوره مائدہ/۵ نازل شد و ضمـنـ تـأـكـيدـ بـرـ اـعـلامـ رسـمـیـ وـلـایـتـ عـلـیـ بنـ اـبـیـ طـالـبـ، پـیـامـبـرـ ﷺ رـاـ تـأـخـیرـ بـیـشـترـ درـ اـینـ زـمـینـهـ بـرـ حـذـرـ دـاشـتـ. اـینـ تـهـدـیدـ بـاـ لـحنـیـ تـنـ وـ هـشـدـارـ آـمـیـزـ بـیـانـ شـدـ؛ بـهـ گـونـهـ اـیـ کـارـ رـاـ مـساـوـیـ بـاـ اـنـجـامـ نـدـادـ رسـالتـ الـهـیـ دـاشـتـ وـ ضـمـنـ آـنـ، حـضـرـتـ رـاـ خـطـرـهـایـ اـحـتمـالـیـ کـهـ پـیـشـبـینـیـ مـیـ شـدـ بـرـ حـذـرـ دـاشـتـ.^۲ درـ فـاـصـلـهـ سـهـ چـهـارـ مـیـلـیـ (کـمـترـ اـزـ یـکـ کـیـلوـمـترـیـ) جـحـفـهـ، کـنـارـ آـبـگـیرـیـ کـهـ «خـمـ» نـامـیدـ

^۱. المغاری، ج. ۳، ص ۱۱۱۵؛ المعرفة و التاریخ، ج. ۱، ص ۳۶۹؛ البدایة و النهایة، ج. ۸، ص ۷۲۵.

^۲. الارشاد، ج. ۱، ص ۱۷۶؛ قـسـ: اعلام الوری، جـ. ۱ـ، صـ ۲۶۲ـ.

از فاروق حماده، حجه الوداع از جهاد حجاج،
حجه الوداع و حقوق الانسان از واسف
عبدالحليم عبدالله، فقه الدعوة في حجه الوداع
از حصه بنت محمد خاطر (پایان نامه)، مبادی
حقوق الانسان فی خطبة حجه الوداع از ناثر بن
بعلى (پایان نامه)، مع النبی محمد فی حجه
الوداع از فاضل الموسوی، مظاہر تعظیم شعائر
الله فی حجه الوداع از محمد الحافظ الروسي،
حجه الوداع از عبداللطیف بن حیده، حجه
الوداع دراسة وصفية تحلیلیة فقهیه از یوسف
عبدالله مصطفی عبد الرزاق، حجه الوداع و
اعظم رجل فی العالم از احمد نجیب، حجه
الوداع و جزء عمرات النبی محمد زکریا
کاندھلوی، صفة حج النبی علی اختلاف
طرقها از محب الدین طبری، اطلاع علی حجه
الوداع، حجه الوداع از عبد الوهاب مصطفی،
حجه الوداع از محمد علی القطب، شارع
النجاة فی حجه الوداع، حجه الوداع الحج و
العمرة كما ادھما النبی از محمد عثمان
الخشت، مع الرسول فی حجه الوداع از عطیه
محمد سالم، حجه الوداع خطب و ارشاد از
آیت الله جعفر سبحانی، حجه النبی از البانی،
حجه النبی از احمد عبد الغفور، حجه الوداع،
شعائر و قیم از فؤاد بن عبد السلام، الوصیة
النبیویة للامة الاسلامیة فی حجه الوداع از

به گزارش دیگر، پس از خطابه و نماز
ظهر، پیامبر ﷺ دستور داد تا برای امیر مؤمنان
خیمه‌ای رویه‌روی خیمه آن حضرت افراشتند
و به تمام مردان و زنان حاضر و زنان خود
دستور داد تا گروه گروه بر امیر مؤمنان وارد
شده و به ایشان تبریک و تهنیت بگویند و به
نام امیر مؤمنان بر او سلام کنند و به گزارش
دیگری، همه مردان با دست دادن با آن
حضرت بیعت کردند.^۱

پیامبر اکرم ﷺ بیش از پایان یافتن سال دهم
به مدینه رسید؟ هرچند تاریخ دقیق آن
مشخص نیست و بر این اساس، می‌توان گفت
سفر آن حضرت در رفت و برگشت، کمتر از
یک ماه به طول انجامید.

آثار بسیاری درباره حجه الوداع به نگارش
در آمده؛ از جمله: حجه الوداع ابن حزم، حجه
الوداع اسماعیل بن عمر بن کثیر، منسک فی
هدی المصطفی فی حجه الوداع از محمد بن
اسماعیل الصنعاني، مواقف خالد فی حجه
الوداع از محمد محمد الشرقاوی، حجه الوداع
کما رواها اهل البيت از حسین و اتفی (معاصر)،
الوصیة النبویة للامة الاسلامیة فی حجه الوداع

۱. الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۶، إعلام الوري، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲. السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۰۶، حجه الوداع کما رواها اهل البيت،
ص ۳۳۵.

الارشاد فی معرفة حجۃ الله علی العباد: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان (٣٣٦-٤١٣ق.)، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، دار المفید، ١٤١٤ق؛ الاستبصار فيما اختلف من الاخبار: محمد بن حسن الطویسی (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به کوشش سید حسن موسوی الخرسان، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ١٣٦٣ش؛ الأصول الستة عشر: عدہای از علماء، قم، انتشارات دارالحدیث، ١٤٢٣ق؛ الکتفاء بما نضمنه من مغایز رسول الله ﷺ و الثلثة الخلفاء: ابوالریبع حمیری کلاعی، دار الكتب العلمیه-بیروت، ١٤٢٠؛ الامالی: محمد بن حسن الطویسی (٣٨٥-٤٦٠ق.)، تصحیح محققوان بنیاد بعثت، قم، دار الثقافه، ١٤١٤ق؛ امتعال الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتعال: احمد بن علی المقریزی (٤٨٤-٥٢٧ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤٢٠ق؛ انساب الاشراف: احمد بن یحیی البلاذری (٢٧٩-٤٢٧ق.)، تحقیق سهیل صادق زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ١٤١٧ق؛ بحار الانوار الجامعة للدرر اخبار الانتمة الاطھار: محمد باقر المجلسی (٣٧-١١١٠ق.)، تصحیح محمد باقر بهبودی و سید ابراهیم میانجی و سید محمد مهدی موسوی خرسان، بیروت، دار احیاء التراث العربي و مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق؛ البداية و النهاية فی التاریخ: بهجه النفوس و الأسرار فی تاریخ دار هجرة النبي المختار، مرجانی، عبدالله بن عبدالملک، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ٢٠٠٢م؛ تاریخ

فاروق حماده، بذل المستطاع فی توضیح حجۃ الوداع از عیسی بن شباب الحیسونی، حجۃ الوداع از شعر حسن ابوالغیط، تیسیر الاطلاع علی اخبار حجۃ الوداع از نافذ حسین حماد، حجۃ الوداع از عبدالحمید جوده السحار، الحلقة الاخیرة حجۃ الوداع از صلاح صالح راشد، گزارش حجۃ الوداع از محمد باقر انصاری، همگام با پیامبر ﷺ در حجۃ الوداع از حسین واقعی.^۱

﴿ منابع ﴾

اتحاف الوری بأخبار أم القری: عمر بن محمد بن فہد (م. ٨٨٥ق.)، تحقیق و تقدیم فہیم محمد شلتوت، مکه، جامعۃ ام القری، ١٤٠٣ق؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج: احمد بن علی الطبرسی (م. ٥٢٠ق.)، به کوشش سید محمد باقر موسوی خرسان، مشهد، انتشارات المرتضی، ١٤٠٣ق؛ اخبار مکة فی قدیم الدهر و حدیثه: محمد بن اسحاق الفاکھی (م. ٢٧٥ق.)، به کوشش عبدالملک بن عبدالله بن دھیش، مکه، مکتبة الاسدی، ١٤٢٤ق؛ اخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار: محمد بن عبدالله الازرقی (م. ٢٤٨ق.)، به کوشش رشدی الصالح ملحس، بیروت، دار الاندلس، ١٤١٦ق؛

۱. این کتاب‌ها از سایت‌های الفهرس العربی الموحد و پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه های ایران و www.lib.ir و مقاله حجۃ الوداع دانشمنه بزرگ اسلامی استخراج شده است.

بيروت، دار الجيل، دار الأفاق الجديدة، بي تا؛
الجامع الصحيح المسمى: صحيح مسلم
 النيسابوري: دار الفكر، بيروت، طبعة مصححة
 و مقابلة على عدة مخطوطات و نسخ معتمدة؛
الجامع الصحيح سنن الترمذى: محمد بن عيسى الترمذى السلى، دار إحياء التراث
 العربي، بيروت، تحقيق: احمد محمد شاكر و آخرون؛ **الجامع المنسد الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه: صحيح البخارى**: محمد بن إسماعيل ابو عبدالله البخارى الجعفى، محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (بصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم ترقيم محمد فؤاد عبدالباقي)، الأولى، ١٤٢٢ق، حجة الوداع؛
 دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ٢٠، فرامرز حاج منوچهری؛ **حجة الوداع: دانشنامه جهان اسلام**: ج ٢، حسین واثقی؛ **حجة الوداع**: على بن احمد بن حزم (٣٨٤-٤٥٦ق.)، به کوشش ابوصهیب الكرمی، اردن، بیت الافکار الدولیه، ١٩٩٨م؛ حدیث على بن حجر السعید عن إسماعیل بن جعفر المدنی: إسماعیل بن جعفر بن أبي کثیر الأنصاری الزرقی مولاهم، ابواسحاق المدنی، تحقیق عمر بن رفود بن رفید السنتیانی، مکتبة الرشد للنشر والتوزیع، الرباط - شرکة الرباط للنشر والتوزیع، ١٤١٨ق؛ **حلیة الأولیاء و طبقات الأصنیفیاء**: ابوسونیم احمد بن عبد الله الاصبهانی، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٥ق؛ **دعائیم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام**: نعمان بن محمد المغربی (٣٦٣م)، تحقيق أصف بن على اصغر

الخمیس فی أحوال أنفس النفیس: حسین دیبار بکری، بيروت، دار صادر، بي تا؛ **تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوك)**: محمد بن جریر الطبری (٢٢٤-٣١٠ق.)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهیم، بيروت، دار احیاء التراث العربی؛ **تاریخ الیعقوبی**: احمد بن ابی یعقوب الیعقوبی (٢٨٤م)، بيروت، دار صادر، ١٤١٥ق؛ **تحف العقول**: حسن بن شعبه الحرانی، حسن بن على، قم، ١٤٠٤ق؛ **تذكرة الخواص (تذكرة الخواص الائمه فی خصائص الائمه)**: یوسف بن قراوغلى، سبط ابن الجوزی، قم، شریف رضی، ١٤١٨ق؛ **تفسیر القمی**: على بن ابراهیم قمی (٣٠٧م)، به کوشش سید طیب موسوی جائزی، قم، دار الكتاب، ١٤٠٤ق؛ **التنبیة والاشراف**: على بن الحسین المسعودی (٣٤٦م)، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، قاهره، دار الصاوی؛ **تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشيخ المفید**: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به کوشش سید حسن موسوی خرسان و على آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ١٣٦٥ش؛ **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**: محمد بن على بن بابویه (شیخ صدوق) (٣١١-٣٨١ق.)، قم، شریف رضی، ١٣٦٨ش؛ **جامع الاخبار**: محمد بن محمد شعیری (قرن عق.)، قم، نجف، بي تا؛ **الجامع الصحيح المختصر**: محمد بن إسماعیل البخاری، تحقيق: مصطفی دیب البغی، بيروت، دار ابن کثیر، ١٤٠٧ق؛ **الجامع الصحيح المسمی صحيح مسلم**: ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم الفشیری النیسابوری،

مسلم: يحيى بن شرف النسوی (٦٣١- ٦٧٦ق.)، بیروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق؛ شرف النبي (شرف المصطفی): ابوسعید واعظ خرگوشی (٤٠٦م.ق.)، به کوشش محمد روشن، تهران، بابک، ١٣٦١ش؛ صحيح ابن حبان بترتیب ابن بلان: علی بن بلان الفارسی (م.٧٣٩)، به کوشش شعیب الاننوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٤١٤ق؛ الطبقات الکبری: محمد بن سعد (م.٢٣٠ق.)، به کوشش محمد عبدالقدار عطا، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٠ق؛ علل الشرائع و الاحکام: محمد بن علی بن یابویه (شیخ صدوق) (٣٨١-٣١١)، به کوشش سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف، مکتبة الحیدریه، ١٣٨٥ق؛ عیون الانفر فی فنون المغازی و الشمائی و السیر (السیره النبویه): فتح الدین محمد بن سید الناس (م.٧٣٤ق.)، به کوشش ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم، ١٤١٤ق؛ الغدیر فی الكتاب و السنّة و الأدب: علامہ عبدالحسین الامینی، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، مکان نشر: قم، ١٤١٦ق؛ الکافی (ط-الاسلامیه): تهران، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال: علی بن حسام الدین الهندی (م.٩٧٥م.ق.)، به کوشش بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠٩ق؛ مدینه شناسی نجفی: محمد باقر، تهران، چاپ اول، ١٣٦٤ش؛ مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع: و هو مختصر معجم البلدان لیاقوت: صفی الدین عبدالمومن بن

فیضی، قاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق؛ دلایل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعه: احمد بن الحسین البیهقی (م.٤٥٨)، تحقیق عبدالمعطی امین قلعه جی، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤٠٥ق؛ الروض المعطار فی خبر الاقطار: محمد بن عبدالله المتنم الحمیری (م.٩٠٠ق.)، تحقیق احسان عباس، بیروت، مکتبة لبنان، ١٩٨٤م؛ روضه الوعاظین: الفتال النیشاپوری (م.٥٠٨ق.)، به کوشش سید محمد مهدی حسن خرسان، قم، شریف رضی، ١٣٨٦ق؛ سنن ابن ماجه: محمد بن زید الربعی ابن ماجه (م.٢٧٥ق.)، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٣٩٥ق؛ سنن ابی داود: ابوداود سلیمان بن الأشعث، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ سنن الدارمی: عبدالله بن عبدالرحمن ابومحمد الدارمی، دار الكتاب العربي، بیروت، ١٤٠٧ق؛ سنن النسائی: احمد بن علی النسائی (٢١٥-٣٠٣ق.)، تحقیق صدقی جميل العطار، بیروت، دار الفکر، ١٣٤٨ق؛ السیرة النبویة و أخبار الخلفاء: ابوحاتم تمیمی، الكتب الثقافیة، بیروت، ١٤١٧ق؛ السیرة النبویه: عبدالملک بن هشام (م.٢١٨)، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلی، بیروت، دار المعرفة، بی تا؛ شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنج المحمدیه: محمد بن عبدالباقي الزرقانی (م.١١٢٢ق.)، قاهره، دار الكتب العلمیه، ١٤١٧ق؛ شرح الشفاء للقاضی عیاض: ملا علی القاری (م.١٠١٤ق.)، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤٢١ق؛ شرح صحيح

عبدالله السمهودی (م.٩١١ق.)، به کوشش
محمد محبی الدین عبدالحمید، بیروت، دار
الكتب العلمیه، ٢٠٠٤.
محمد سعید نجاتی



حج فروش < نیابت

حج جاهلی: مراسم عبادی زیارت کعبه در دوره جاهلی

واژه حج، از واژگان قدیم سامی است و شکل‌های مختلفی از آن، در نوشه‌های اقوام و ملت‌های مختلف سامی، وارد شده است.^۱ این واژه در عربی به معنای آمدن و قصد کردنی است که بسیار و پی‌درپی صورت گیرد^۲ و از همین رو به حج خانه خدا اطلاق شده که هر ساله انجام می‌گیرد.^۳

اصطلاح حج، اگرچه در حال حاضر منحصر به زیارت کعبه در مکه است، اما در دوره جاهلی که اصطلاحی است به دوره پیش از اسلام جزیره العرب اطلاق می‌گردد (← جاهلیت) علاوه بر زیارت خانه کعبه،

۱. فرهنگ تطبیقی، ج، ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹.
۲. العین، ج، ۳، ص، «حج»؛ تاج العروس، ج، ۳، ص ۳۱۴ «حج».
۳. غریب الحديث، ج، ۱، ص ۴۱؛ لسان العرب، ج، ۲، ص ۴۲۶؛ تاج العروس، ج، ۳، ص ۳۱۵ «حج».

عبدالحق (م.٧٣٩ق.)، به کوشش علی محمد البحاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ مستعدب الإخبار بطبع الأخبار: ابو مدین فاسی، دار الكتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ق؛ مسنند الامام احمد بن حنبل: احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی (م.٢٤١ق.)، المحقق السيد ابوالمعاطی النوری، بیروت، عالم الكتب، بی‌تا؛ المعالم الأئمۃ فی السنۃ والسیرة شراب: محمد محمد حسن، بیروت، ۱۴۱۱ق؛ المعجم الكبير: سلیمان بن احمد الطبرانی (م.٢٦٠ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۴۰۵ق؛ المغازی: محمد بن عمر الوقدانی (م.٢٠٧ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق؛ مکارم الاخلاق: الفضل بن الحسن الطبرسی (قرن ۴ق.)، قم، شریف رضی، ۱۳۹۲ق؛ من لا يحضره الفقيه: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (م.٣٨١-٣١١ق.)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ مناقب آل ابی طالب علیہ السلام (ابن شهرآشوب): ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ق؛ منتهی السوول علی وسائل الوصول إلى شمائی الرسول: عبدالله بن سعید محمد عبادی لحسی، دار المنهاج، جده، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق؛ موطن: مالک بن انس ابو عبدالله الأصحابی، دار إحياء التراث العربي، مصر، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي؛ النسادر (للراوندی): فضل الله بن علی راوندی، قم، بی‌تا؛ وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی: علی بن